[خطبه‌ی اول 2](#_Toc459283419)

[دو واقعه‌ی مهم در روز اربعین 2](#_Toc459283420)

[1. بازگشت اسرا به کربلا و اختلافی بودن آن. 2](#_Toc459283421)

[2. عطیه و ابعاد حضور ایشان در کربلا 3](#_Toc459283422)

[أ‌. بعد زیارتی. 3](#_Toc459283423)

[ب‌. بعد سیاسی 5](#_Toc459283424)

[شخصیت دو زائر اربعین حسینی 6](#_Toc459283425)

[أ‌. عطیه بن سعد بن جنادی عوفی 6](#_Toc459283426)

[عطیه محب یار و محب اهل‌بیت: 6](#_Toc459283427)

[ب‌. جابر بن عبدالله انصاری 7](#_Toc459283428)

[1) جابر و شرکت در جنگ‌های بزرگ 7](#_Toc459283429)

[2) شخصیت علمی جابر 8](#_Toc459283430)

[روضه 8](#_Toc459283431)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc459283432)

[1. سلامت و اهمیت آن 10](#_Toc459283433)

[أ‌. عوامل تخریب سلامت انسانی. 11](#_Toc459283434)

[1) بیماری‌ها و ضرورت جلوگیری از آن‌ها 11](#_Toc459283435)

[2) حوادث طبیعی 11](#_Toc459283436)

[نقش مهم خیرین و مسئولین در سلامت و بهداشت... 13](#_Toc459283437)

[2. رهبری و تأکید بر خدمات‌رسانی دولت 13](#_Toc459283438)

[دعا 14](#_Toc459283439)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ من سمیع العلیم مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما برادران و خواهران نمازگزاران و خودم را به پارسایی و خویشتن‌داری،تقوای الهی پرهیزکاری عمل به وظائف الهی سفارش و دعوت می‌کنم

**دو واقعه‌ی مهم در روز اربعین**

در آستانه‌ی اربعین سید و سالار شهدا قرار داریم و عرایض بنده هم در خطبه‌ی اول چند نکته‌ی پیرامون اربعین و آنچه که به آن برمی‌گردد خواهد بود. در فضیلت اربعین و اهمیت روز 20 ماه صفر اختلافی نیست. این روز داری فضیلت ویژه‌ای است. زیارت‌های و اعمال خاصی برای آن نقل‌شده است و عرض ارادت به ساحت قدسی حضرت اباعبدالله حسین 7 و یاران آن حضرت در این روز از استحباب مؤکدی برخوردار است. در قضیه‌ی اربعین، دو واقعه نقل‌شده. همان‌طور که مستحضر هستید یکی از این دو واقعه محل بحث و اختلاف میان محققین و مورخین هست و یک واقعه و قصه مورد اتفاق و وفاق میان مورخین و در کتب تاریخی است. آن واقعه‌ای که محل اختلاف هست این هست که آیا کاروان کربلا و قافله‌ی اسیران کربلا با سرپرستی امام سجاد7 و زینب کبری3 که به سمت کوفه و شام برده شدند در 20 صفر همان سال در مراجعت به کربلا آمدند و بر سر مزار شهدای کربلا و حرم پاک سید و سالار و شهدا حضور پیدا کردند یا نه؟ این‌یک واقع هست که محل بحث و اختلاف هست.

1. **بازگشت اسرا به کربلا و اختلافی بودن آن**

 یک نظریه این هست که زینب کبری3 و سایر اسیران کربلا، در 20 صفر همان سال در کربلا و بر سر مزار شهدا حضور یافتند و در نقطه‌ی مقابل، گروهی هم این واقعه و قصه را به لحاظ مسافت و زمان و امثال این‌ها نفی و بعید شمرده‌اند که در همان سال این قافله در بازگشت از شام به کربلا آمده باشد. این بحث، میان علماء اختلافی است و من به آن نمی‌خواهم بپردازم؛ برای اینکه هم قائلین آمدن امام سجاد7 زینب کبری3 و سایر اسیران در اربعین، بر سر مزار اباعبدالله7 و شهدا دلیل‌هایی دارند و کسانی هم که این را نمی‌پذیرند نیز، ادله‌ای برای ادعای خود دلیل ذکر کرده‌اند. درهرحال این امر اختلافی است و تا آن اندازه که من سابق ادله‌ی دو طرف را دیده‌‌ام، اطمینان به یکی از دو قول و نظریه خیلی دشوار هست. طوری نیست که به‌سادگی و آسانی انسان بتواند یکی از این دو نظریه را بر دیگری ترجیح بدهد. بنابراین از این مسئله ما عبور می‌کنیم. مسئله‌ی حضور اسیران کربلا در 20 صفر همان سال در کربلا و بر سر مزار شهیدان مورد اختلاف جدی است و هر یک از دو نظریه ادله‌ای دارند و اطمینان به یکی از دو همکار سخت و دشواری هست. این‌یک واقعه هست که پذیرفتن یکی از دو طرف کار راحت و آسانی نیست.

1. **عطیه و ابعاد حضور ایشان در کربلا**

 اما واقعه‌ی دومی در 20 صفر اتفاق افتاده که مشهور هست در کتب معتبر هم واردشده و واقعه‌ای که مکرر هم شنیده‌اید و بنده هم در این خطبه، نکاتی را پیرامون این دو قهرمان این واقعه یعنی جابر بن عبدالله انصاری و عطیه بن سعد بن جنادی عوفی، نکاتی را عرض خواهم کرد.

1. **بعد زیارتی**

این واقعه مسلم هست که در 20 صفر و در اربعین عاشورای اباعبدالله الحسین 7 واقع‌شده و این دو شخصیت و چهره‌ی مبرز جهان اسلام، صف‌شکنی کردند. برخلاف موج حاکم بر جامعه و اختناقی که بنی‌امیه بر ضد خاندان پیامبر و خاندان رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله 6 ایجاد کرده بودند، این‌ها صف‌شکنی کردند. هم برای ادای یک عبادت بسیار مهم و هم برای مبارزه‌ی با دستگاه بنی‌امیه و اعلام ولایت و محبت نسبت به خاندان پیامبر، بر سر مزار شهیدان کربلا و سید و سالار شهیدان حضور یافتند. اولین نکته‌ای که در اینجا قابل‌تأمل و توجه هست این هست که زیارت اباعبدالله الحسین7 توسط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه ‌بن سعد بن جنادی عوفی، هم یک عبادت بود هم یک اعلام موضع سیاسی و صف‌شکنی و خط‌شکنی سیاسی در زمان یزید و در آن عصر ظلمانی و پر از فشار و اختناق بود.

**اهمیت زیارات امام حسین7**

 زیارت امام حسین7 از عبادت‌های بسیار مهم و مؤکد هست و ده‌ها و شاید بشود گفت صدها روایت و حدیث و زیارت در مورد کربلا، عاشورا و اباعبدالله ‌الحسین7 و اصحاب و یاران آن حضرت واردشده و آنچه که در مورد زیارت امام حسین7 واردشده، چه از نزدیک چه از راه دور، ازنظر حجم و ثواب نسبت به همه‌ی ائمه‌ی دیگر، برتری دارد؛ یعنی اگر روایات و احادیث و زیاراتی که در شأن سایر ائمه واردشده است را در یک کف بگذاریم و روایات و احادیث و زیاراتی که در شان و زیارت اباعبدالله ‌‌الحسین7 واردشده را در کفه‌ی دیگر، این به‌تنهایی با همه‌ی آن‌ها برابری می‌کند و سِر آن هم این هست که در میان ائمه، اباعبدالله الحسین7 نماد ثارالله و نماد خون خدا است و نماد دین‌خواهی و فداکاری و ایثار در راه خدا است. این نماد، همه‌ی ائمه بیشتر به آن اهمیت داده‌اند و لذا قبر، مقام و منزلت، زیارت و اهتمام به سوگواری اباعبدالله الحسین 7در این باب بیش از سایر ائمه احادیث و روایات و زیارات داریم و آنچه هم در ارزش و منزلت و ثواب که برای زیارت امام حسین7 ذکرشده، آن هم فراوان شنیده‌اید و در جای خودش محفوظ و مضبوط است.

من فقط در اینجا به یک قصه اشاره می‌کنم که به بحث زیارت و عرض ارادت و سوگواری امام حسین7 ارتباط دارد. این قصه در کتب رجال ما آمده است. شخصی هست به نام مصمع بن عبدالملک؛ مصمع بن عبدالملک از روات احادیث ما هست و در فقه و ابواب مختلف معارف اسلام، احادیثی دارد. اسم او مصمع بن عبدالملک است. آقای مصمع بن عبدالملک، در زمان امام صادق7 بود. می‌گوید: روزی خدمت ایشان مشرف شدم؛ حضرت فرمودند: تو نزدیک کربلا هستی آیا به زیارت جد ما حضرت اباعبدالله الحسین 7مشرف می‌شوی یا نه؟ مصمع بن عبدالملک که راوی و از اصحاب امام صادق7 جواب می‌دهد: نه من توفیق ندارم که به زیارت امام حسین7 مشرف شوم. حضرت می‌فرمایند: چرا؟ او جواب می‌دهد: من در یک منطقه‌ای هستم که افراد ناصبی وجود دارند و اگر به زیارت بروم، مورد تعرض و هجوم آن‌ها قرار می‌گیرم. بنابراین نرفتن به زیارت نه از باب سهل‌انگاری و کوتاهی هست، بلکه به دلیل تقیه هست. امام 7فرمودند: حالا که به این دلیل هست مانعی ندارد قبول؛ بعد حضرت از او سؤال می‌کنند حالا که زیارت نمی‌روی، آیا در عزای امام حسین7، سوگواری؟ آیا در عزای جد ما اندوهگین می‌شوی یا نه؟ او می‌گوید: به خدا قسم من بار‌ها در خانه ،از حسین7 یاد می‌کنم و در ایام شهادت سالار شهدا، حال من تغییر می‌کند. اهل خانه می‌فهمند که من به خاطر عزای حسین7سوگوار هستم و احوال من متغیر می‌شود. وقتی‌که این را می‌گوید امام صادق7 ببینید چه جوابی می‌دهد این روایت نکته‌ی اولش این بود که امام، سؤال می‌کند؛ عتاب می‌کند که چرا زیارت نمی‌روی. بعد که او جواب می‌دهد که من مشکل‌دارم در تقیه هستم، امام می‌فرماید: خوب حالا این اشکالی ندارد. دوباره سؤال می‌کند که در عزای جد ما عزاداری یا نه؟ جواب می‌دهد: بله من وقتی‌که ایام عزاداری و سوگواری ایشان برسد، احوال من، در سوگ جد بزرگوار شما منقلب می‌شود. امام صادق7 جواب می‌دهد. خیلی روایت زیبا و تکان‌دهنده‌ای است. در آخر می‌فرماید: مصمع حالا که تو در عزای ما عزادار می‌شوی؛ در سوگ ما سوگوار می‌شوی در عزای جد ما گریه می‌کنی و اظهار محبت نسبت به او می‌کنی، به تو یک وعده‌ی بزرگی بدهم.

 امام صادق7 دو وعده به مصمع می‌دهد این ارزش، عرض ارادت به ساحت اباعبدالله الحسین 7و زنده داشتن یاد و نام او و در اهتزار داشتن پرچم پرافتخار عاشورا است. این اجر همه‌ی کسانی است که پرچم حسین 7را در طول تاریخ حفظ کردند. اجر همه‌ی کسانی است که با همه‌ی وجود به سالار شهیدان عشق می‌ورزیدند. امام صادق7 می‌فرمایند به تو دو وعده می‌دهم؛ یک وعده می‌دهم که هنگام مرگ اجداد من امیرالمؤمنین و امام حسین8 بر سر جنازه‌ی تو حاضر شوند و به سراغ تو بیایند. این اولین جزاء و پاداش تو است. اگر عزاداری واقعی بود، اگر از سر اخلاص و عشق در سوگ حسین 7گریستیم و اظهار محبت و ارادت کردیم، اولین وعده‌ی امام صادق 7این هست که اجداد من وقت مرگ به سراغتان می‌آیند. دوم می‌فرمایند: و ملک‌الموت، عزرائیل هنگام قبض روح تو به تو از مادر مهربان‌تر است. قبض روح و حضور عزرائیل معلوم هست با چه سختی‌ها و فشار‌ها و مشکلاتی همراه هست؛ ولی برای سوگواری و عزاداری سید و سالار شهیدان، امام صادق7 می‌فرمایند: ملک‌الموت از مادر به تو مهربان‌تر خواهد بود. اگر عشق و انگیزه و محبت و اخلاص بود، خود آن‌ها حاضر می‌شوند و ملک‌الموت، از مادر بر انسان مهربان‌تر می‌شود. این را مصمع بن عبدالملک نقل می‌کند. همین یک حدیث نشان‌دهنده‌ی ابعاد عظیم ثواب و ارزش و منزلت و جایگاه سوگواری حسین 7اظهار محبت و عزاداری اباعبدالله الحسین7. از همین قبیل صد‌ها روایت و حدیث این چیزی است که در این روایت آمده است.

1. **بعد سیاسی**

 داستان حضور جابر بن عبدالله انصاری و عطیه بن سعد بن جناد در روز اربعین، اولاً به نکته‌ی عبادی برمی‌گردد. عزاداری امام حسین7 یک عبادت هست. یک مستحب مؤکدی است که آن‌همه آثار و برکات و مادی و معنوی برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ ولی این زیارت جابر، علاوه بر بعد عبادی که بسیار مهم و ثواب‌های زیادی برای زیارت حسین7 وجود دارد، یک پیام اجتماعی و سیاسی داشت. چهل روز از شهادت امام حسین7 گذشته است. دشمن و بنی‌امیه به‌ظاهر بر همه‌ی مقدرات جهان اسلام، سیطره دارد و همه‌ی مردم، مقهور این قدرت شیطانی بنی‌امیه هستند و با ظلم و ستمی که بر خاندان پیامبر رفت، کسی جرأت اظهار وجود و مقابله نمی‌کند. آرام‌آرام از گوشه‌ها به‌تدریج در طول یکی دو سال صداهایی بلند می‌شود. نغمه‌های مخالفت با بنی‌امیه رواج پیدا می‌کند. اما اولین کسانی که صف‌شکنی کردند خط‌شکنی کردند و با رشادت و شجاعت و شهامت رفتند به زیارت امام حسین7 جابر و عطیه بود. بنابراین این کار جابر و عطیه را در آن وضع و اوضاع‌واحوال و شرایط اجتماعی و سیاسی باید ارزیابی کرد. کار جابر ضمن اینکه یک عمل عبادی مهم بود و به زیارتی می‌رفت که آن‌همه ثواب‌ها بر آن مترتب هست که یک نمونه‌ی آن در روایت امام صادق7 بود و عرض کردم، درعین‌حال بعد دوم آن‌یک بعد اجتماعی و سیاسی و مقابله‌ی با دستگاه بنی‌امیه و ابراز وجود شیعیان و مخلصان اهل‌بیت: در برابر بنی‌امیه بود. این کار بزرگی بود. یک زیارت معمولی و یک حضور عادی بر سر مزار شهیدان کربلا و قبر مطهر اباعبدالله ‌الحسین7 نبود. درست هست که زیارت امام حسین همواره از آن‌همه ثواب برخوردار هست؛ اما جابر باشخصیتی که داشت و عطیه باشخصیتی که داشت برای اولین بار صف‌شکنی کردند؛ خط‌شکنی کردند با رشادت و شجاعت تمام بر سر مزار شهیدان کربلا حضور یافتند.

**پیام سیاسی زیارت عطیه**

 این حضور عارفان و عاشقانه همراه با یک مجاهدت سیاسی بود. یک‌بار مبارزه‌ی سیاسی در برابر بنی‌امیه حمل می‌کرد و به دیگران پیام می‌داد که مقهور شهادت امام حسین7 و واقعه‌ی جان‌سوز کربلا نشوند ما خط سرخ حسین 7را با زیارت، با اظهار علاقه و ارادت، باید حفظ کنیم. این پیام بزرگی بود که شخصیت مشهور جابر و عطیه، در آن شرایط پیچیده‌ی پر اختناق سیاسی و اجتماعی بعد از عاشورا که همه را به ترس و واهمه واداشته بود، به مردم داد. چون همه می‌دیدند که خشونت و ظلم ستم یزید، چنان است که به برترین شخصیت‌های دنیای اسلام رحمی نکرد. طبعاً همه را منفعل می‌کند؛ همه را خانه‌نشین می‌کند؛ همه را به سکوت و سکون وا‌می‌دارد تا رشته‌های خودشان را از خاندان پیامبر قطع کنند. حضور جابر بن عبدالله انصاری ضمن اینکه یک عبادت بزرگ با آن ثواب‌‌های عظیمی داشت؛ یک حرکت سیاسی، یک حضور سیاسی و اعلام موضع سیاسی و خط‌شکنی و صف‌شکنی در برابر سپاه یزید بود. این کار جابر هست. برای همین هم هست که اربعین، این‌چنین باقی ماند و این‌چنین موردتوجه قرار گرفت و این داستان با این عظمت و شکوه، مورد ماندگار و باقی ماند. این دو مطلب بود که اینجا عرض کردم.مطلب اول آن ثواب‌هایی بود که برای زیارت امام حسین7 بود که در قصه‌ی‌ مصمع بن عبدالملک شما ملاحظه کردید و مطلب دوم دو بعد بسیار مهم اربعین و زیارت جابر بن عبدالله بود. حالا این دوشخصیتی هم که در اینجا حضور یافتند کم‌وبیش همه شنیده‌اید.

**شخصیت دو زائر اربعین حسینی**

من هم راجع به هر یک از این دو بزرگوار، دو چهره‌ی مبرز جهان اسلام و دوشخصیتی که صف‌شکنی کردند و با توکل بر خدا در روز اربعین بر سر مزار شهدا کربلا حاضر شدند، به چند نکته اشاره‌کنم.

1. **عطیه بن سعد بن جنادی عوفی**

 اول در باب عطیه بگویم. گاهی در بعضی از نقل‌ها و گفته‌ها، ممکن هست تلقی شود که عطیه، یک آدم معمولی بود که احیاناً جابر بن عبدالله انصاری که در آن زمان چون نابینا شده بود همراه جابر بود که دست او را بگیرد و راهنمایی کند و امثال این‌ها. نه؛ این تصور غلطی است. عطیه بن سعد بن جنادی عوفی از رجال مبرز و محدثان شناخته‌شده‌ی آن زمان بود که وقتی‌که به دنیا آمد سعد بن جنادی خدمت امیرالمؤمنین7 آمد و عرض کرد که من صاحب اولادی شدم و خداوند به من فرزندی عنایت کرده و او را چه بنانم. حضرت فرمود: «**هذا عطیه ‌الله**»[[4]](#footnote-4) این نامی است که امیرالمؤمنین7 روی عطیه نهاد. انتخاب نام عطیه توسط امیرالمؤمنین7 بود. به پدرش فرمود: «**هذا عطیه ‌الله**» یعنی نامش را عطیه بگذار. این نام توسط امیرالمؤمنین7 گذاشته شد و بعد‌ها آدم مشهوری بود از شیعیان جدی و پر و پار قرص امیرالمؤمنین7 بود. احادیث زیادی نقل کرده و در حد یک آدم معمولی که همراه جابر باشد، نبود. عطیه خودش یک انسان برجسته و چهره‌ی مبرزی بود.

**عطیه محب یار و محب اهل‌بیت:**

در کتب تاریخ دارد که در زمان حجاج عطیه زنده بود. آن‌وقت و به خاطر عشقش به ولایت و امامت اهل‌بیت: تحت تعقیب قرار گرفت و از ترس تعدی که در آنجا حجاج به او روا می‌داشت، به‌طرف فارس فرار کرد. وقتی‌که به فارس آمد، حجاج به نماینده‌ی خود در آن منطقه نوشت: عطیه را بگیر، دستگیرش کن و او را مأمور کن که امیرالمؤمنین7 را لعن کند. همین نشان می‌دهد که یک آدم برجسته‌ای بود. سراغ هر آدم معمولی که نمی‌رفتند. یک چهره‌ی شناخته‌شده‌ای بود. او را باید لعن کند. اگر هم لعن نکرد، به او چهارصد شلاق بزنید و سر و رو و موهایش را کوتاه کنید و شکنجه کنید. مأمور حجاج، او را گرفت هر چه اصرار کرد که باید امیرالمؤمنین7 را لعن کنی، گفت: من لعن نمی‌کنم. مقاومت کرد. ایستاد. اظهار لعن و برائت نسبت به امیرالمؤمنین7 از او صادر نشد. همان‌جا تاریخ می‌گویند که او را گرفتند و چهارصد ضربه شلاق زدند؛ موهای او را کوتاه کردند و شکنجه‌های متعددی را به او روا داشتند. یک آدم این‌طوری بود. یعنی یک کسی که روایات متعدد در مباحث فقهی و اخلاقی نقل کرده، بعد هم ازنظر اجتماعی پای اهل‌بیت: و همراهی با اهل‌بیت: ایستاده بود و تا جایی که چهارصد ضربه شلاق می‌خورد؛ ولی حاضر نیست یک لعن نسبت به امیرالمؤمنین7 داشته باشد. این هم شخصیتی است که او داشت و در بعضی از نقل‌ها آمده که عطیه «**و کان کثیر الحدیث**» ثقه، آدم مورد اعتماد و پر روایتی بود و از اصحاب امام صادق 7 بود. قاعدتاً آن زمان جوان بوده که همراه جابر بن عبدالله بوده و تا زمان امام صادق7 هم زنده بوده و از اصحاب امام صادق7 در رجال شیخ به شمار آمده است. این عطیه هست که همراه جابر بود که نشان می‌داد که عطیه هم آدم معتبر و قوی و به‌عنوان ‌یک راوی، شناخته می‌شود و فرد عادی و معمولی نبود این عطیه هست که همراه جابر است.

1. **جابر بن عبدالله انصاری**

اما در مورد جابر، بحث‌های زیادی شنیده‌اید. من به سه چهار نکته در زندگی جابر اشاره می‌کنم که آموزنده هم هست.

1. **جابر و شرکت در جنگ‌های بزرگ**

یک نکته اینکه «**جابر بن عبدالله انصاری شهد بدر و ثمانی‌عشر غزوه مع النبی»[[5]](#footnote-5)** جابر در بدر و 18 جنگ در زمان پیغمبر اکرم6، همراه پیغمبر بود. آدمی که در حداقل در 19 جنگ در کنار پیغمبر حضورداشته و به‌خصوص در جنگ بدر؛ چون جنگ بدر یک ویژگی داشت و هرکسی که جزء شرکت‌کنندگان در بدر بود، یک امتیاز برای او به‌حساب می‌آمد. این وضعیت او در آن زمان و بعد دارد که « **انه من السابقین و انه من جمله من لم یرتدوا بعد قتل الحسین7»[[6]](#footnote-6)** چند حدیث نقل‌شده که « **ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ (ع) إِلَّا ثَلَاثَة أَوْ أَرْبَعه»[[7]](#footnote-7)** خیلی حدیث زیبایی است. می‌گوید: بعد از شهادت امام حسین7 همه‌ی مردم مرتد شدند این مرتد باطنی منظور هست. همه‌ی مردم از راه ولایت و امامت جدا شدند. خود این نشان می‌دهد که شرایط عاشورا و اختناق شدید و هجمه‌ی عظیمی که بنی‌امیه بر اهل‌بیت: وارد کرد، یک هجومی بود که بنیاد اهل‌بیت: را می‌خواست برکند و چنان این هجوم قوی بود؛ چنان این هجوم سهمگین بود که روایت می‌گوید: همه برگشتند؛ جزء سه چهار نفر که در بعضی از روایات دارد که یکی از آن چهار نفر، جابر بن عبدالله انصاری است. این نشان می‌دهد که خیلی درجه‌ی ایمانی بالایی داشته است. هم در زمان پیغمبر ،در 19 جنگ در کنار پیامبر بوده و هم بعد از قتل امام حسین7، همه برگشتند جزء سه چهار نفر که یکی هم در بعضی از روایات نام جابر بن عبدالله بود. جابر، از همه‌چیز بریده بود و به اهل‌بیت7 پیوسته بود؛ یعنی تمام وجود او اهل‌بیت: بود؛ سرتاپای وجود و حیات او ما بودیم. این هم‌درجه‌ی بالایی است که برای جابر نقل‌شده و جابر همان کسی است که سن زیادی هم پیدا کرد و بنا بر بعضی از نقل‌ها که اختلافی در این هست ولی بنا بر بعضی از روایت و نقل‌ها تا زمان امام باقر 7هم زنده بود و همیشه هم در طول عمرش همراه اهل‌بیت :و مدافع اهل‌بیت: بود.

1. **شخصیت علمی جابر**

 از طرف دیگر هم ازلحاظ حدیث و علم و دانش، تعبیری در مورد ایشان هست که «**إِنَّه‏ مِنَ الْأَرْبَعَة الَّذِين‏ انْتَهَى إِلَيْهِم‏ َ عِلْمُ الْأَئِمَّة»** این هم خیلی تکان‌دهنده هست. می‌گوید: او یکی از آن چندنفری است که علم ائمه به آن‌ها واگذارشده است. این مقام جابر است. جابر به لحاظ علمی از آن‌هایی هست که علم ائمه به آن‌ها سپرده‌شده. ازلحاظ حدیث و روایت، صدها حدیث و روایت از جابر نقل‌شده است. ازلحاظ مقام علمی در مسجد مدینه می‌نشسته و مردم برای فراگرفتن علوم اسلامی و احادیث پیامبر و ائمه: گرد او جمع می‌شدند. ازلحاظ اجتماعی چهره‌ی مبرزی بود که موردقبول بود. ازلحاظ پایبندی به ولایت و امامت هم که همان دو سه تعبیری که شما ملاحظه کردید. ازلحاظ سابقه هم که دارد « **كَانَ آخِرَ مَنْ بَقِيَ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّه‏»[[8]](#footnote-8)** جابر آخرین کسی بود که از اصحاب رسول خدا باقی‌مانده بود و از دنیا رفت. عمر طولانی داشته و البته در مورد عمر ایشان مقداری اختلاف تاریخی است من فرصت نیست به آن اشاره‌کنم و روابط ویژه‌ای که ایشان به‌خصوص در اواخر عمرش با امام باقر7 داشت و در روایات آمده است. ملاحظه کردید که هم جابر چه جایگاهی عظیمی داشت هم عطیه چه چهره‌ی مبرزی بود.

 این دو شخصیت در اربعین ضمن ادای وظیفه زیارت و نائل آمدن به ثواب‌هایی که در زیارت امام حسین7 هست، یک کار بزرگ اجتماعی و سیاسی کردند. برای اینکه ترس از جامعه بریزد، پیش‌قدم شدند. آدم‌هایی که زمینه‌دارند به خاندان پیامبر برگردند. دل‌های پر از دلهره از ضعف و سستی فاصله بگیرد و این پیام سیاسی داشت. خط‌شکنی جابر برای اینکه به دیگران هم جان بدهد روح بدهد. آدم‌هایی که پیش‌قدم هستند در اینکه دیگران روحیه پیدا بکنند و به جلو بیایند صف‌ بشکنند، این آدم‌ها از ارزش ویژه‌ای برخوردارند و جابر چنین مقامی داشت.

**روضه**

 آن‌وقت همین جابر در روز اربعین داستان مشهورش را شنیده‌اید و من هم ترجمه آن را در پایان این عرایضم عرض می‌‌کنم. آن راوی از عطیه این‌طور نقل می‌کند: من همراه جابر بودم باهم به زیارت قبر مولایمان حسین7 نائل شدیم. همین‌که نزدیک کربلا رسیدیم جابر در فرات غسل کرد. جامعه‌ی تمیز پوشید خود را خوشبو ساخت. در هر گامی که به‌سوی قبر حسین7 برمی‌داشت زبانش به ذکر و یاد خدا بود. آرام‌آرام به سمت قبر مولایش حرکت می‌کرد. هنگامی‌که به نزدیک قبر رسید، عطیه را صدا زد گفت: دست مرا بر قبر حسین7، محبوبم قرار بده. عطیه می‌گوید دست او را گرفتم بر قبر نهادم . همین‌که دست جابر، قبر شهید کربلا را لمس کرد از هوش رفت. غم و اندوه جانکاه، او را از هوش برد و بر روی خود افتاد. آبی بر روی صورت او زدند او را بیدار کردند. همین‌که به هوش آمد سه بار صدا زد: یا حسین7 یا حسین7 یا حسین7. گویا جابر در ذهن خود مجسم می‌شود زمانی که در کنار رسول خدا بود و می‌دید که حسین 7در پیش رسول خدا چه منزلتی دارد. بعد می‌گوید: یا حسین7 مگر دوست من نیستی؟ چرا صدای دوستت را پاسخ نمی‌دهی؟ خود او به خود جواب می‌دهد: چگونه می‌توانی ای عزیز مرا جواب دهی درحالی‌که رگ‌‌های گردنت بریده‌شده؛ خون پاکت بر زمین ریخته شده است و سرت از بدن جدا گشته است. **لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم (وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون)‏[[9]](#footnote-9)**

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ\* فَصَلّ‏ لِرَبِّكَ وَ انحْرْ\* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْترَ)[[10]](#footnote-10) صدق الله العلی العظیم.**

خطبه‌ی دوم

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ سمیع العلیم مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نومن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستحدیف و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذوبنا ابی القاسم محمد6 و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ سمیع العلیم مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[11]](#footnote-11) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله.** همه‌ی شما و برداران و خواهران نمازگزار و خودم را، به پارسایی و پرهیزگاری و خویشتن‌داری دوری از آلودگی‌ها و معاصی و گناهان عمل به دستورات و وظائف واجبات الهی و خودسازی تهذیب نفس و شکر و سپاس الهی و ذکر و یاد او در همه‌ی احوال سفارش و دعوت می‌کنم امیدواریم خداوند همه‌ی ما را بر ذکر و شکر و بندگی خالصانه‌ی خودش توفیق بیشتر کرامت بفرماید. فرارسیدن اربعین سید و سالار و شهدا و شهیدان کربلا و دهه‌ی آخر ماه صفر را به همه‌ی شیفتگان ولایت و امامت و عاشقان کربلا و عاشورا تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم امیدواریم خداوند همه‌ی ما را در گروه عزاداران راستین سالار شهیدان و پیروان و زنده نگه‌دارندگان یاد و نام او مقرر بفرماید.

سلامت و اهمیت آن

چند نکته هست که مناسبتی است و من در حدی که مجال و فرصتی که باشد اشاره‌‌ای به آن بکنم. اولین مناسبت 18 فروردین روز جهانی سلامت هست و همین‌طور هفته‌ی سلامت و هفته‌ی بهداشت مدارس است و با توجه به ابعاد مختلفی که بحث بهداشت و سلامت در زندگی اجتماعی ما و رشد و ترقی جامعه دارد نکاتی در این زمینه تقدیم می‌کنم و توصیه‌هایی را عرض می‌کنم. خوب ما این را می‌دانیم که انسان چه در امور مادی چه در امور معنوی نیازمند به‌سلامت و به هنجار بودن زندگی دارد و توفیقات انسان در، هم مسائل علمی مادی زندگی و همین‌طور در مسائل و عرصه‌های معنوی و اخلاقی و روحی مبتنی بر سلامت آحاد جامعه هست و اسلام هم به بهداشت و سلامت افراد اهتمام دارد و حفظ نفس حفظ افراد و جامعه از ناهنجاری‌های و مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها از وظائف جامعه است و مسئولین هم در قبال آن وظیفه‌دارند.

1. **عوامل تخریب سلامت انسانی**

 آنچه که سلامت جامعه را تخریب می‌کند، عامل مخرب سلامت جامعه است که عمدتاً به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود؛ بیماری‌ها و یکی هم حوادث و هر یک از این دو جزء، وظایفی است که هم‌خانواده هم مسئولین و هم جامعه در برابر حفظ افراد، از بیماری‌‌ها و همین‌طور زمینه‌سازی برای جلوگیری از رخ دادن حوادثی که موجب آسیب رسیدن به افراد و جامعه می‌شود که نباید آن را کم بشماریم. در بیماری‌ها انواع بیماری‌هایی است که وجود دارد که اگر یک مقدار به آن توجه شود و رعایت اصول بهداشتی، اصول تغذیه و مانند آن رعایت شود، جلوی بسیاری از خسارت‌ها و مشکلات اجتماعی را می‌گیرد. در بیماری‌ها چه بیماری‌های واگیردار و چه بیماری‌هایی که واگیردار نیست، اصول بهداشتی اصول سلامت و انضباط اجتماعی، می‌تواند جلوی بسیاری از این بیماری‌ها را بگیرد.

1. **بیماری‌ها و ضرورت جلوگیری از آن‌ها**

 می‌دانیم که ما در مقوله‌ی بیماری‌ها، بیماری‌هایی مثل بیماری‌های قلبی و چند بیماری هست که بیشترین تلفات را در سطح دنیا و در سطح کشور ما و خود منطقه‌ی ما ایجاد می‌کند. ما در همین شهر میبد در سال 82 حدود 350 مورد فوت داشتیم که 55 درصد آن به بیماری‌های قلبی و عروقی برمی‌گردد. خوب در این زمینه چیزی است که ما وظیفه‌داریم چون این بیماری‌ها وقتی‌که ایجاد شد به‌خصوص این مرگ‌ها وقتی در سن میان‌سالی و جوانی بیاید، هم‌خانواده‌ای را عزادار می‌کند، لطمات روحی اقتصادی و روانی زیادی را به جامعه می‌دهد. ازاین‌جهت هست که شرعاً هم وظیفه هست که ما این نوع بیماری‌ها را مهار کنیم. هم مسئولان باید برای آن برنامه‌ریزی کنند و هم خود مردم به لحاظ رعایت اصول تغذیه و اصول سلامت ،باید به این امر اهتمام بورزند. مسئولین برای مداوا و معالجه‌ی کسانی که مبتلابه این‌ بیماری‌ها هستند باید قدم بردارند. بحمدالله گام خوبی دارد برداشته می‌شود. در بیمارستان، احداث ccu می‌تواند جلوی خیلی از خسارت‌ها و تلفات جانی را بگیرد. در خصوص بیماری‌های قلبی و عروقی که اولین عامل مرگ‌ومیر هم در دنیا، هم در کشور و هم در منطقه است و بیش از 50 درصد مرگ‌ومیر‌ها به اینجا برمی‌گردد. این درحالی‌که قابل‌کنترل است. هم اقدام مسئولین و خیرین برای اینکه بیمارستان‌ها را مجهز کنند؛ شرایط را برای مراجعه‌ی به بیمارستان فراهم کنند و بعضی از هزینه‌های هنگفت و مشکلات را کم کنند و به مردم کمک کنند و خود مردم باید به اصول بهداشتی و سلامت هم توجه کنند. این‌یک مقوله هست. به‌عنوان‌مثال من این بیماری عرض کردم. با آماری که تقدیمتان شد و در خصوص بیماری‌های دیگر آمار‌ و ارقام‌هایی وجود دارد که نیازی به ذکر آن‌ها نیست. ولی ما باید توجه داشته باشیم که یک خانواده، باید به‌سلامت اعضای خود و جامعه به‌سلامت اعضای جامعه‌ی خود و ایمن‌سازی افراد، از آسیب‌های بیماری‌ها توجه کند و نسبت به کودکان طبعاً از وظائف پدر و مادر هم هست و از وظائف حکومت هم این هست که همان‌طور که در قانون اساسی هم آمده، زمینه‌ی بهداشت و سلامت افراد را دولت و حکومت باید تأمین کند و در حدی که در توانشان هست، باید بستر‌های لازم برای دوری افراد از این خطر‌ها و آسیب‌ها فراهم شود. این در خصوص آن عامل اولی که بیماری‌ها است و با همکاری مردم توجه به اصول بهداشتی اصول سلامت اصول تغذیه، پرهیز ازآنچه که مضر به‌سلامت بدن هست مثل پرخوری، بی‌توجهی به آن اصولی که در دین هم به آن تأکید شده می‌تواند جلوی خیلی از این آفت‌ها را بگیرد.

1. **حوادث طبیعی**

گروه دوم از عوامل مخرب سلامت جامعه، حوادث است که حوادث، به حوادث طبیعی مثل زلزله سیل و امثال این‌ها و حوادث انسانی تقسیم می‌شوند. در حوادث طبیعی، جامعه و مسئولین و خود مردم باید توجه کنند که شهرسازی‌ها و خانه‌سازی‌ها را به سمت منطبق سازی با قواعد و اصول فنی و علمی ببرند. برای اینکه حادثه‌ای نیاید و ناگهان آن‌همه تلفات و آسیب به یک منطقه‌ای وارد کند؛ که آن خسارت‌هایی برای کل نظام و کشور دارد. این در حوادث طبیعی است که لازم هست که آمادگی‌های خوب و مناسبی برای جلوگیری از تلفات و خسارت و حوادث طبیعی، در کشور در منطقه ایجاد شود و البته فرهنگ مردم، همکاری مردم، توجه به اصول معماری، فنی مهندسی، شهرسازی در حدی که میسر هست اهمیت دارد و دولت هم باید این روند را تقویت کند.

اما قسم بعدی حوادث، انسانی است یعنی حوادثی که به نحوی عامل انسانی در آن دخیل هست که این را تقسیم به عمدی و غیرعمدی می‌کنند که تصادفات یک نوع هست که غیرعمدی است و عمدی مثل خودکشی و دعواها و اختلافات و امثال این‌ها است. این چهار گروه از عوامل مخرب سلامت است که مسئولان، برنامه‌ریزان جامعه و خود مردم برای مهار این عوامل مخرب، باید برنامه داشته باشند و برای کنترل این‌ها هماهنگ و هماهنگی و همکاری داشته باشند؛ چه در گروه بیماری‌ها با انواع و اقسامی که دارد و آمار تلفات بالایی که دارد، چه حوادث طبیعی چه حوادث انسانی غیرعمدی.

در حوادث انسانی غیرعمدی که از مسائل مهم کشور ماست، آمار و ارقام‌ها واقعاً تکان‌دهنده است. به‌خصوص بحث رانندگی و تصادفات از مقوله‌هایی است که ظاهر در دنیا در سال یک‌میلیون خورده‌ای نفر براثر تصادفات از دنیا می‌روند. در کشور ما بیش از 20 هزار نفر بین 22 تا 25 هزار نفر در سال به خاطر تصادفات داخل و بیرون شهرها از بین می‌روند و یک رقم خیلی بالاتری مبتلای به نقص عضو و مشکلات جسمی می‌شوند این آمار خیلی زیادی است. 25 هزار نفر یعنی یک شهر در سال مبتلای به این حوادث می‌شوند و ما در شهرمان از سال‌های قبل مرتب همیشه گزارش دادم و می‌دانید که این نوع تصادفات، هم در جهان هم در کشور ما، هم در استان ما هم در شهر ما آمار‌های تکان‌دهنده‌ای دارد؛ البته کشور‌ها متفاوت‌اند. بعضی کشورها جاده‌ها را ایمن کردند؛ قوانین راهنمایی و رانندگی را دقیق رعایت می‌کنند و اصرار دارند که آن‌ها به‌دقت رعایت شود. فرهنگ مردم، فرهنگ درستی است و تلفاتشان را بسیار پایین آوردند. بعضی کشور‌ها بسیار بالا است کشور ما تقریباً از آن کشور‌هایی است که تلفات رانندگی و تصادفات و مسائل مربوط به جاده‌، خیلی وحشتناک است آمار و ارقامش متأسفانه خیلی رو به سمت بهبود نبوده.

 این نکاتی است که به ما این هشدار را می‌دهد که توجه قوانین و قواعد راهنمایی و رانندگی کنیم و تلاش کنیم. در مسئله‌ی موتور‌سواری در ساختن راه، توجه به اصول فنی در مسائل راه آن‌ها اهتمام خیلی بیشتری داشته باشیم. هم مسئولین باید کار کنند، هم فرهنگ خود مردم مهم است و اگر کسی که محاسبه کند، تلفات جانی خسارت‌های مالی آسیب‌های روحی که به خانواده‌ها وارد می‌شود، به جامعه وارد می‌شود، مشکلات عدیده‌ای که ایجاد می‌کند. این تصادفات و حوادثی که به آن ا شاره کردم واقعاً بیش از این باید موردتوجه قرار بگیرد چون افراد تا خودش مبتلا نشده نمی‌تواند باور کند؛ ولی شما این آمار و ارقام‌ها را ببینید نتایج مادی و خسارت‌های مادی و معنوی آن‌ها هرکسی که دقت کند طبعاً به سمت قانون‌گرایی در رانندگی می‌رود. در مسائل شهری، توجه به اصول و فنونی که لازم هست و همین‌طور مسئولین هم وظائفی دارند که انشاء الله بیش از گذشته به آن اهتمام بورزند.

 در مسائل مثل دعواها خودکشی‌ها امثال این‌ها کم‌وبیش ما شاهد هستیم که آن هم از چیز‌هایی هست که مخرب سلامت جامعه هست. در مسائل سلامتی در دانش‌آموزان من فرصت نیست اینجا دیگر آمار و ارقامی عرض کنم ولی باز آمار و ارقام‌ها بعضی از قسمت‌ها تکان‌دهنده هست و مجموعه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که ما همگی ما به‌عنوان‌مثال وظیفه‌ی شرعی و دینی باید به مهار مریضی‌ها به رعایت بهداشت و سلامت جسم و روان و همین‌طور کنترل این آسیب‌ها و حوادث اجتماعی توجه کنیم.

**نقش مهم خیرین و مسئولین در سلامت و بهداشت**

 از سوی دیگر مسئولان و جامعه و اهل خیر برای ارتقاء سطح بهداشت و درمان برای پایین آوردن هزینه‌های کسانی که ندارند، برای معالجه و برای ایمن‌سازی جاده‌ها منطبق سازی نقشه‌های شهرها و مسائل شهری بر اساس مسائل اصول و فنون که آن‌ها را از خطر‌ها بیرون می‌کند، قدم بردارند و امسال در سطح جهانی هم به‌عنوان جامعه‌ی ایمن و سالی که به ایمنی راه‌ها و کاهش تصادفات نامیده شده و انشاء الله در کشور ما و در منطقه‌ی ما مسئولان مردم نسبت به این مسائل اهتمام داشته باشند. که کمتر شاهد این تلفات و خسارت‌ها باشیم و لازمه‌ی رشد و تلقی جامعه در همه‌ی ابعاد اهتمام هر چه بیشتر به مسائل سلامت بهداشت پیشگیری از این حوادث و وقایع‌های که می‌تواند جامعه را این‌قدر تخریب کند. من همین‌جا تشکر می‌کنم مناسبت بنیاد مسکن هست از آمار و ارقامی به من دادند که فرصت طرحش نیست از کسانی که در تأمین مسکن برای مردم تلاش می‌کنند و همین‌طور بنیاد مسکن در کارهایی که در روستاها دارد و آمار و ارقامی خوبی هم به بنده دادند و اینجا الآن جلوی روی من قرار دارد تشکر می‌کنم. وظیفه‌ی بنیاد مسکن هم در روستاها وظیفه‌ی مهمی است و واقعاً کاره‌هایی که در روستاها انجام می‌شود، بسیار خوب است و باید تقویت شود و هم در بحث‌های خانه‌سازی؛ اما آنچه که مسلم است این است که اقدام‌ها هنوز برای حل مشکل مسکن و فراهم آوردن زمینه برای تشکیل کانون خانواده برای جوان‌ها، بخشی از کاری که در کلان جامعه درصد بالایی نیست و واقعاً هم مسئولان باید به مسئله‌ی جوان اشتغال و مسکن توجه بیشتری کنند و هم خود ما در جامعه. در هزینه‌هایمان، در توجه به کارهای خیرمان. این نوع مسائل اجتماعی که مربوط به جوان‌ها هست باید موردتوجه بیشتر قرار بدهیم. همین‌جا من از همه‌ی عزیزانی که در مسائل بهداشت و درمان و سلامت افراد زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند تشکر می‌کنم. از خیرینی که در این زمینه‌ها همراهی و همکاری می‌کنند، تشکر می‌کنم و امیدوار هستم که توجه بیشتری هم به این مسائل داشته باشند انشاء الله و همین‌طور از مسئولان و عزیزانی که در بنیاد مسکن و قسمت‌های دیگر برای روستاها تلاش می‌کنند و در کار‌های مسکن قدم بر‌می‌دارند. این‌ها قابل تشکر هست و البته هیچ‌کدام از این‌ها در نقطه‌ای نیست که واقعاً مشکلات را حل کنند و باید بیش از گذشته به این امور پرداخت و این مشکلات مردم را حل کرد.

رهبری و تأکید بر خدمات‌رسانی دولت

 در پایان من بر نکاتی که مقام معظم رهبری در آغاز سال تأکید کردند و توصیه کردند تأکید می‌کنم. امسال را ایشان استمرار سال خدمت‌رسانی به مردم اعلام کردند. این وظیفه‌ی مسئولان کارکنان و کارمندان هست که به خدمت‌رسانی توجه کنند. واقعاً با عشق باعلاقه از سر وظیفه، به انجام وظایف خودشان اهتمام داشته باشند. اگر ادارات و مسئولین ما و همه‌ی ما تلاش کنیم لااقل وظایفی که قانون و شرع بر دوش ما گذاشته، در قبال مردم عمل کنیم. بخش زیادی از مشکلات قابل‌حل است و وقتی‌که مردم هم ببینند افراد خیرخواه و ناصحی در کارشان هستند و پیگیر کارشان هستند، تحمل می‌کنند. به‌هرحال این خدمت‌رسانی از امور مهمی است باز ایشان امسال بر آن تأکید کردند و مسئولین ما امیدواریم در ادارات و در بخش‌های مختلفی که در کشور و در منطقه هستند، با جامعه‌ی عمل پوشاندن به این توصیه و راهبرد اصولی و توصیه‌ی مهم اخلاقی، توجه کنند و همین‌طور ایشان بر پاسخ‌گویی قوای ثلاثه و مسئولین کشور، به مردم و رهبری اشاره کردند که این هم از امور مهمی هست که همین‌که کسی که مسئول شد، طبعاً این حق را جامعه از او دارد که سؤال کند و او باید به جامعه نسبت به جامعه پاسخ‌گو باشد. از این از اصولی است که قبل از دموکراسی‌های غربی در اصول اسلامی ما بر آن تأکید شده و باید مسئولان ما به این نکته هم توجه بیشتری داشته باشند و توجه داشته باشیم که ما در شرایط مخاطره‌آمیزی هستیم. امروز پیرامون ما در عراق می‌بینید که چه اوضاع‌واحوالی بر پا است در سایر مناطق دنیا هم همین‌طور هست و سالم ماندن و پیشرفت در این اوضاع‌واحوال نیاز به وحدت انسجام عزم ملی آگاهی و هوشیاری اجتماعی و پایداری در راه خدا دارد و اگر ما این اصول را به فضل الهی رعایت بکنیم طبعاً خداوند هم ما را کمک خواهد کرد.

دعا

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

اللهم الرزقنا توفیق طاعه و بعد المعصیه و صدق نیه و عرفان الحرمه و اکرمنا بالهدی و لاستقامه

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[12]](#footnote-12)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سفینه البحار، ج 6، ص 296. [↑](#footnote-ref-4)
5. . مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول:، ج 6، ص 19. [↑](#footnote-ref-5)
6. . معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج 4، ص 262. [↑](#footnote-ref-6)
7. . رجال الکشی، ص 123. [↑](#footnote-ref-7)
8. . الکافی، ج 1، ص 469. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی شعرا، آیه‌ی 277. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی کوثر، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-12)